

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۱ * (۲۵ محرم ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) لایحه اصلاحات مرتکین قاچاق اجناس ممنوعه
- (۳) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

در شماره قبل صفحه ۲ سطر ۱۴ در قسمت اول ماده واحده مربوط به تعیین خط سرحدی ایران و ترکیه یکی دو فقره اشتباه در جریان طبع حاصل شده است لهذا آن قسمت از ماده ذیلاً طبع میشود تا مطالعه کنندگان محترم نسخه خود را مطابق این صورت تصحیح فرمایند :

« ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد راجع به تعیین خط سرحدی ایران و ترکیه مشتمل بر سه ماده بضمیمه یک مراسله راجع به استفاده پستهای مستحفظ سرحدی طرفین از آبهای چشمه های دریاچه برولان ... الی آخر »

مرتکبین قاچاق اجناس ممنوعه ورود مطرح است مداره به بنده شخصاً در این باره ...
 در کلیات است آقای فاطمی .
 فاطمی - تقریباً یکسال قبل وقتی که لایحه انحصار این لایحه هم بضرر آن دو طبقه تمام خواهد شد و آن دو طبقه که فعلاً همه چیزها بضرر این دو طبقه تمام میشود

* عین مذاکرات مشروح هشتاد و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)
 دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسمای غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است
 غائبین با اجازه - آقایان: اشتیانی - طالش خان - ملک ارانی
 غائبین بی اجازه - آقایان: تیمور تاش - ارباب بخسرو - طباطبائی دیا - اسدی - فقیه - کفائی - عبد الحسین خان دیا
 آقا رضا مهدوی - اقبال - قوام -
 در اندکن بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - آقا رضا بوشهری - یونس آقا وهاب زاده - مسعود ثابتی

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۱ * (۲۵ محرم ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) شور لایحه مجازات مرتکبین قاچاق اجناس ممنوعه
- (۳) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نيم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۵ خرداد ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
نمایندگان - خیر

رئیس - تصویب شد

[۲ - شور لایحه مجازات مرتکبین قاچاق اجناس ممنوعه]

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بمجازات مرتکبین قاچاق اجناس ممنوعه ورود مطرح است مذاکره در کلیات است آقای فاطمی .

فاطمی - تقریباً یکسال قبل وقتی که لایحه انحصار

تجارت در فرا کمیون مطرح بود بنده بطور کلی يك عرایض کردم و خیلی هم متأسفم که عرایض بنده و حدسیات بنده صائب بود و اسباب گرفتاری و زحمت برای مردم شد البته این لایحه هم که امروز آورده اند مقصود دولت و آقای رئیس کل تجارت تسهیلات وضعیت حال مردم است بنده تصدیق دارم ولي متأسفانه بان تجربه گذشته و بااطلاعاتی که بنده شخصاً دارم یقین دارم که این لایحه هم باز بضرر دو طبقه که فعلاً همه چیزها بضرر این دو طبقه تمام میشود این لایحه هم بضرر آن دو طبقه تمام خواهد شد و آن

* * * عین مذاکرات مشروح هشتاد و هشتمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)
دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان: اشتیانی - طالش خان - ملک اراکی

غائبین بی اجازه - آقایان: تیمور تاش - ارباب دیخسرو - طباطبائی دیا - اسدی - فقیه - کفائی - عبد الحسین خان دیا
آقا رضا مهدوی - اقبال - قوام .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - آقا رضا بوشهری - یونس آقا وهاب زاده - محمود ثابتی

در طبقه هم معلوم هستند يك طبقه اشخاصی هستند كه مستخدمین دولت هستند و از دولت حقوق میگیرند و يك طبقه هم زارع كه اینها باید همه چیز را بخرند اینها در مقابل حقوق ثابتی دارند میگیرند یعنی همان حقوقی را كه در شش سال پیش از این پنجمسال پیش از این در موقعی كه این اجناس نك قیمت فعلی بلکه خیلی كتر بود و زارعین هم كه حالشان معلوم بود كه يك خروار كنند میفروختند چهار جفت كفش میخریدند حالا چهار خروار كنند كه بفروشند يك لنگه كفش هم نمیتوانند بخرند بنده می بینم تمام این عملیاتی كه شد هیچ بنفع مردم تمام نشد و بنفع چند نفری شد شاید در طهران صدها هزار خانواده از بین رفته و ده نفر ملیونر شده اند و بنده میتوانم در همین شهر طهران يك اشخاصی را بشما نشان بدهم كه كارشان فروش همین اشیائی است كه در اینجا نوشته میشود اینها در ده سال قبل دوازده سال قبل تمام سرمایه شان به ده هزار تومان نمیرسیده و امروز دو میلیون تومان مستغالاتشان رسیده است این البته از راه تجارت كه عمال است این از راه غارت است از راه تمام كردن خانواده ها است امروز هم نمیشود مردم را بطور كامل جلوگیری از استعمال كرد مردم امروز غیر از مردم بیست سال قبل هستند مردمان بیست سال قبل بچراغ برق آشنا نبودند حالا اگر چه آقای حاج امین الضرب تشریف دارند و جسارت است ولی باید گفت كه امروز هیچكس از وضعیت چراغ برق راضی نیست و آنرا نمی پسندند همینطور نمیشود گفت مثلاً فلان پارچه را نخواهند و استعمال نکنند فلان پارچه را در فلان دكان پیدا میشود و خانواده ها هم بر قابت همدیگر میخرند و بنده بعد از تصویب این لایحه میدانم كه چه میشود تمام این اشیاء حكیم تریاك قاجاق را پیدا میکند بكنفر میرود بفلان دكان و فلان چادر را میخواند صاحب دكان شب چادر را میگذارد زیر عبایش كه من بزحمت این را برای شما صدوبیست تومان تمام کرده ام فردا صبح هم كه نگاه میکنند ده جایش سوراخ

عالی را بخواد اجرا كند خیلی مشكل است اجناس ممنوعه كه حالا اصطلاح ممنوعیت را درباره اش استعمال میکنیم عیناً بصورت مجاز وارد این مملكت شده است در مرحله قانون انحصار تجارت نبوده و ورود این اجناس مثل سایر اجناس مجاز بوده و هیچ منعی هم در بین نبوده است و يك تجاری هم شغلشان ورود این گونه اجناس بوده يك سرمایه هائی هم بكار برده اند برای تدارك آنها يك قسمتهائی هم همینطور كه میفرمائید بقیمتهای گزاف فروش رفته و میرود و يك قسمتهای دیگر شاید اینطور نیست اجناس ممنوعه چند صورت دارد يك قسمت آنهائی است كه مشتری نقد پای مال حاضر است و نقاضا پیش از عرضه است و بوالهوسی ما ها باعث این شده است كه فروش میرود البته کسانی كه مقصدی ورود و خرید و فروش این اجناس هستند ممكن است كه خیلی استفاده کرده باشند ولی خوب تجارت آزاد بوده است وقتی كه يك تجارتي آزاد بوده است نمیشود اسمش را سوء استفاده گذاشت بی انصافی میشود گفت و شاید میشود لغات دیگری برایش پیدا كرد آیا اینها بر خلاف مقررات و قوانین موضوعه نیست و يك قسمت اجناسی است كه الان شاید مدتهاست آورده اند و هنوز فروش نرفته مثلاً فلان مجسمه را آورده است در فلان مغازه و هنوز هست و شاید ده سال دیگر هم باشد كه بالاخره هنوز ایرانی آنقدر ها بوالهوس نشده است یا سرمایه آنرا ندارد كه اینطور چیز ها را استعمال كند و بالاخره يك قسمت از این قبیل اجناس و نظایر آنرا در مغازه ها می بینید كه مدتها هست و کسی نمیرود بخرد و يك قسمت هم اجناس دیگری است كه غالباً مراجعه میکنند و اجازه عودتش را بخارجه میخواهند كه آورده اند به بینند در بازار ایران مصرفی پیدا میکنند و ممكن است كه ایرانی ها را معتاد كرد باین طور چیز ها یا خیر می بیند خیر موفق نمیشود بر میگرددند در حال همه جور اجناس ممنوعه هست ولی آنچه چیزی كه بیشتر طرف توجه است همان چیزی است كه مشتری نقد دارد و همان

چیز هائی است كه موجب وارد كردن مردم است به قاجاق مثل فرضاً مشروبات الكلی مثل منسوجات ابریشمی كه خیلی لوكس است و مثل انواع و اقسام جورابهای ابریشمی و چیز های حاضر و پرداخته و مهیا شده اینها نظر باینكه مشقتهای حضری همیشه در بازار دارد مردم هم اصرار دارند كه بیشتر وارد كنند تشریفاتی میکنند برای اینکه بطور قاجاق وارد شود مقصود دولت حالا مقصودت باینطور اشخاص و مخالفت و سختی با ورود اینگونه اجناس است ابتدا آقایان در نظر دارند كه دولت ب فكر افتاد كه اجناس ممنوعه و مجاز را درجه بندی كند و محدود كند و طبقه بندی كند اجناس ممنوعه را كه كدامش قابل این است كه ب آنها علامت الصاق شود يك صورت علیحدّه برایش معین شود و آنچه كه قابل این نیست يك مدتی برایش معین شود بعد كه ما شروع كردیم به مطالعه در اطراف اجرای قانون و چسباندن اتيكته و علامت و اینها دیدیم شاید كار آسانی نیست و ممكن است اسباب زحمت مردم شود و مأمورینی هم كه خیلی شاید مورد اطمینان باشند نداشته باشیم و باین جهت از این خیال انصراف حاصل كردیم و بترتیب فعلی موافقت و پیشنهاد شد كه مهلتی داده شود به آن اشخاص در ظرف يكسال كه هر چه اجناس ممنوعه دارند كه بموجب يك صورتی معین خواهد شد در ظرف يكسال بفروش برسانند و اگر در ظرف يكسال بفروش نرسانند آنوقت در تحت نظر دولت در يك مرا كزی فروخته شود و پولش بصاحبش برسد آقای فاطمی اگر توجه بفرمائید بنظر بنده چندین مزیت دارد اولاً ما از این نگرانی كه داریم از نداشتن مأمورین زیاد و صحیح العمل برای تقنینش آن نگرانی دیگر در اینجا مورد ندارد خود ضرب الاجل و اخطار این كار را خواهد كرد مگر اینکه ما وقتی كه موفق شدیم باینكه اتيكته بچسباییم و علامت بچسباییم آنوقت اینها مجاز خواهند بود كه بدون تمديد مدتی بفروش برسانند در صورتی كه بترتیب فعلی فقط يكسال وقت داده شده است

یک تمدیدی است برای آنها که در این مدت بفروشند و البته آنچه که باقی بماند به تقویمی که خود دولت مین می کند تحت نظر دولت درمراکزی بفروش می رسد و البته می دانند صاحبان آنها که وقتی که تحت نظر دولت باید بفروش برسد خرج آن کم نخواهد شد و تصور می شود که در ظرف یکسال آنچه هست بفروش برسد اولاً نتیجه که حاصل می شود از این قسمت این است که آنچه که هست در ظرف یک سال قسمت بیشترش تمام می شود دوم اینکه ما یک زحمتهائی متوجه مردم نکرده ایم و این قسمت شاید برای ما آسان تر باشد زیرا که در اینجا پیش بینی شده است که بعد از دو ماه باید صورت بدهند و بعد هم ماه بماه صورت فروش بدهند که ما یک مراقبت هائی هم در عمل بکنیم که یک تفاوت هائی در آخر سال پیدا شود آنوقت باقی میماند یک اجناس ممنوعه که بطور قاچاق وارد شده و همینطور که فرض فرمودید که مخفیانه بفروش برسد تصدیق بفرمائید وقتی که کار به اینجا کشید باید خیلی خوشوقت بود که یک قسمت مهم از منظور ما حاصل شده است زیرا که موارد اینجا فرق می کند تشبیه اینکه فرمودید با ترائک قاچاق بکفدری این فرق دارد آقا اجناس ممنوعه یا اجناسی که انیکت دارند یا اجناسی که باندرل دارند تمدادشان تصدیق بفرمائید که همه اش خیلی آسان نیست که باین ترتیب خرید و فروش شود تا با مراقبت هائی که خواهد شد تصدیق بفرمائید جلوگیری خواهد شد دیگر اینکه اغلب اشخاصی که متصدی خرید و فروش این اجناس هستند بطور حتم بداند که از خرید و معامله این طور اجناس جلوگیری خواهد شد خود داری خواهند کرد زیرا که وضعیت شخصیشان اجازه نمی دهد که وارد این جور کارها بشوند چنانچه الآن هم می بینیم یکمده کمی هم هستند که اینها ول کن نیستند ما باید مقاومت کنیم با آنها تحقیق کنیم و تقبضش و آنوقت یکسال که منقضی شد بنظر بنده وجه جمع قضیه این است که دولت پیشنهاد کرده است که یکسال مهلت داده شود به آقایان که بفروشند و تصور می شود که خود این اخطار و ضرب الاجل قانونی الزام بکند که به قیمت ارزاتری بفروشند صورت هم ما

می دهیم و مطابق آن صورت یک ترتیبی خواهیم کرد که زودتر تمام شود و مادام که این اجناس ممنوعه موجوده فعلی که یک قسمتش ذخیره فعلی است و یک قسمتش این اواخر وارد شده است مادام که آنها در تحت یک نظم و ترتیبی نباید در آتیه جلوگیری از قاچاق آسان نیست و در خانمه عرض می کنم هر محظوری ملازمه دارد با قاچاق در تمام دنیا که یک قوانینی در این موارد وضع شده است برای این است که یک قاچاق هائی بوده است و یک تخلفاتی هم پشت سرش پیدا شده است البته یک مطالعات و مقررات و سانسینونهائی هم پیدا می شود که از قاچاق جلوگیری شود یعنی تقلیل شود تا آنجائی که ممکن است ولی هیچ جای دنیا موفق نمی شوند که در قاچاق یک موضوعی هر چه هست صد صد جلوگیری شود در عین حال اگر یک موارد محدود بنظر می آید آن را باید مثال به اصل قرار داد ما اگر موفق شدیم صدی شصت صدی هفتاد این مطالب را بوسیله این قانون جلوگیری کنیم باید خیلی خوشوقت باشیم و تصور میکنم از این قانونی که ملاحظه می فرمائید این منظور حاصل شود و اگر هم باقی بماند یک مقدار کمی است و اگر بیکمرتبه بگوئیم معاملات راجع باجناس ممنوعه است بنظر بنده نه صلاح است و نه مقتضی است زیرا که عرض کردم آنهاست که اجناس وارد کرده اند اغلب بطور مشروع قبل از قانون وارد کردند عرض کردم در یک مواقعی یک مقرراتی نداشتید و یک قانونی در مملکت نبود و ممانع نمی کرد از وارد کردن من مدارک هم نشان میدهم که این جنس مال چهار سال پیش است هنوز هم بفروش رفته شما هم نمی توانید الآن بگوئید این معامله ممنوع است در هر صورت بنظر بنده اگر آقایان موافقت بفرمایند که یکسال اجازه داده شود و بعد از یکسال هم تحت نظر دولت بفروش برسد و پولش بصاحبانش برسد هم بکسی ضرر زیادی وارد نشده و هم مال کسی مصادره نشده ضبط نشده و هم بمقصود می رسد منتهی یکقدری ملایمتر و دیرتر این را هم تصدیق بفرمائید که قوانین سخت وضع کردن باید فکر اجرائیش را هم کرد خود قوانین و مقررات قانون انحصار تجارت فوق العاده سخت بود حالا یکقدری ملایم شده است مردم

هم مانوس شده اند بنده هم آقایان شاهدند که در سه گذشته انواع و اقسام تسهیلات را می کردم که یک حالت برزخی بگذرانند که مردم معناد و مانوس شوند ولی آن تسهیلاتی که پارسال می کردم امسال خیلی مراقبم که درست مر قانون نقطه نقطه اجرا شود پارسال یک کسی می آمد و می گفت سفارش قطعی دادم و فلان و فلان ولی امسال کسی نمی تواند بگوید سفارش قطعی دادم در هر صورت اگر بخواهیم یک نتیجه از قانون فعلی گرفته شود باید یک ملامت هائی باشد زیرا اگر یک خسرت هائی فوق العاده در کار باشد نتیجه حاصل نمی شود این خلاصه عرایض بنده است.

رئیس - آقای طهرانى

طهرانی - عرض میکنم که بنده تصور میکنم که دو جهت را اینجا باید در نظر گرفت یکی مسئله احتیاجات و اینکه آیا دولت می تواند این لایحه را کاملاً اجرا کند بطوریکه واقعاً نفع مردم تمام شود یا نه و این را بنده مفصلاً عرض میکنم اولاً از نقطه نظر احتیاجات ما در قسمت احتیاجات می بینم که این اشیاء ممنوعه بیشترش و قسمت اغلبش محل احتیاج مردم است فرض بفرمائید پارچه های ابریشمی و یا چادر یا بعضی چیزهائی که ضرورت دارد برای آنها این زن مجبور است و چیزی نیست که جای آن را بگیرد زن که نمی تواند پارچه بزدی را بپراهن کند

افسر - چه اشکالی دارد آقا (هممه نمایندگان)

بعضی از نمایندگان - چرا نمی توانند

طهرانی - اجازه بفرمائید این تئوری است یعنی عمل نشدن البته همه کار میکنیم ولی وقتیکه وارد عمل شدیم بنده هم با شما موافقم اشکالی ندارد الناس علی دین ملوکهم وقتی که بزرگان و رؤسای مملکت و وزراء و کلا و رؤسای ادارات شروع کردند و خانواده هاشان چیزهای وطنی استعمال کردند و خانم هاشان را مجبور کردند که امتعه وطنی استعمال کنند همه مردم این کار را خواهند کرد ولی مادامیکه اینطور نیست و خانه من چادر فاق سرش میکند شما نمیتوانید این کار را بکنید او هم میرود و شوهرش را مجبور میکند که بهر

نحوی هست برایش تهیه کند ما بایستی احتیاجات را در نظر بگیریم یک قسمت از پارچه های ابریشمی همان چادر است چنانچه ملاحظه میفرمائید چهار برابر پنج برابر ترقی کرده است چرا ترقی کرده برای اینکه خریدار دارد و هرکاری کنید باز میروند و میخرند پس اگر دولت در نظر بگیرد یک چیز هائی که در مملکت تهیه اش فعلاً ممکن نیست آنها را اجازه ورودش را بدهد یا خودش وارد کند بیک ترتیبی و یک اندازه و آن را بیک قیمت عادلانه بفروشد ممکن است از این وضعیت جلوگیری شود و مردم هم دچار زحمت نشوند مثلاً بنده یک مثل خیلی کوچکی عرض میکنم چادر فاق در بغداد درازد رویه است اینجا چهل تومان است و میخرند چهل تومان پارچه ابریشمی در بغداد ذرعی دو تومان است اینجا ذرعی هشت تومان است و میخرند و همینطور کردوشین و کرپ ساتین چنانچه آقای فاطمی فرمودند روی چشم و همچشمی مجبوراً استعمال میکنند بنده عرض نمیکنم که پارچه وطنی نباشند بلکه خیلی میل دارم همه کرباس ببوشند ولی نمی بوشند و من هم نمیتوانم جلوگیری کنم (افسر - بنده نمیتوانم جلوگیری کنم) خوب شما نمیتوانید ولی بنده نمیتوانم و وقتی این عمل پیشرفت میکند که از بالا شروع شود حتی اگر کسی لباس ابریشمی بپوشد از زنها بهش احترام نکنند و الا باقی چیزهای دیگر بحرف است تئوری است مثل اینکه بجای قند کشمش بخورند اینها دیگر یک چیز هائی است که کهنه شده است این جا آن اشیائی که محل احتیاج است و استعمال میکنند قاچاقش را چطور جلوگیری میکنیم دو قسم قاچاق میشود در این مملکت کرد یک قاچاقی است که خیلی بنده جسارت میکنم و نباید اینجا گفته شود ولی بطور کلی مجمل عرض میکنم فرض بفرمائید بنده سمت نمایندگی دارم جامعه دان و صندوق مرا حالا با بوسیله خصوصی بانوصیه تقبضش نمیتواند بنده در این جامعه دان صد زرع دو بیست زرع پارچه ابریشمی میکنم و میآورم آنوقت اینجا که آوردم هشتصد تومان استفاده کرده ام این



نوع قاچاق را شما چطور جلوگیری می‌توانید بگیریید چنانچه بنده يك نکته دیگر عرض میکنم چند سال است که از همین مجلس قانون گذرانندیم که جوهر اگر وارد شود در کسرك آتش بزنند بسوزانند و یکمن چهل تومان جریمه بگیرند شما از قاچاق جوهر جلوگیری کردید؟ شما چه وقت در طهران و در ایران جوهر میخواستید که برایشان مهیا نبوده است و نمیتوانستید تهیه کنید؟ و جوهر را تنها آنچه که بنده خودم اطلاع دارم چون تجارتش در داخله میشد غالباً قاچاقچی ها از سرحد اتباع خارجی وارد میکردند و بدست اتباع داخلی فروش میرفت و اگر بکوفت بکنفر اتباع داخلی گیر می افتاد خودش واسطه ورودش نبوده و همچنین اشیاء نفیس و ممنوع الورد که میشود بوسیله جیب بغل و توی جامه دان خارج کرد اینها جلوگیری برای دولت خیلی مشکل است و بنده تصور میکنم نمیشود جلوگیری کرد و حالا آن مقداری که استعمال میشد بایستی چندین برابر مردم بول بدهند و بخرند و هرکاری هم که شما بکنید در مغازه ها بالاخره دلاله زنها در خانه میبرند و میفروشند ملاحظه بفرمائید بنده از بغداد از همین سواحل خوزستان عرض میکنم شما تقریباً يك مقدار زیادی از دهنه فار تا بیاید بصره و حمزه و همچنین کوت العماره تا نزدیک بغداد و از دهنه فار تا حمزه کشتی ها و قایق های کوچک وسط شط العرب در حرکت است و شما يك مأمور ندارید در وسط شط که از اینها جلوگیری کند و هر کدام آنها ده زرع پارچه و ده چادر و پنج چادر همراه بیاورند و بخواهند قاچاق کنند برای دولت جلوگیری خیلی مشکل است همچنین از قسمت کوت العماره باینطرف که اتصالاً رفت و آمد میشود چطور میشود از قاچاق جلوگیری کرد (بعضی از نمایندگان بوسیله همین قانون جلوگیری میشود) اجازه بفرمائید آقای یکی هم بنادر خلیج فارس است اینهمه بنادری که در خلیج فارس هست و خودتان میدانید که جوال جوال صد جوال و پنجاه جوال صد صندوق و پنجاه صندوق فند قاچاق میکنند وقتی قندها را قاچاق میکنند آنوقت شما جلوگیری

از قاچاق يك اجناسی که قاچاقش خیلی سهلتر است چطور میتوانی بکنید؟ این خیلی مشکل است و تصور میکنم که دولت نمیتواند کاملاً موفقیت پیدا کند و از این قاچاق جلوگیری کند و بنده تصور میکنم که دولت يك اشیائی را که خیلی ضرورت دارد در زندگانی مردم آنها را در تحت نظر بگیرد و آنقدری که لازم میدانند برای مردم آنها را وارد بکند بيك ترتیبی و بقیمت خیلی ارزان و عادلانه مناسبی بمردم بدهد باین ترتیب از قاچاق بیشتر و بهتر میتوان جلوگیری کرد و از آن کس هم آتهائی هم که با قاچاقچی اند یا هرکسی است که بيك ترتیبی جنس وارد میکند جلوگیری را میتوان گرفت و جلوگیری کرد و الا ممکن نیست و آنها وارد میکنند و قاچاق میکنند و درب خانه های مردم میبرند و میفروشند و این قانون هم جلوگیری نمیتواند بکند يك ماه دیگر سه ماه دیگر یکسال دیگر معلوم میشود که جلوگیری نشده و يك ضرری هم بمردم خورده و آن منظوری هم که شما برای تکافوء صادرات و واردات و تعادل آن داشتید آنهم عملی نشده است.

طهرانچی (مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) عرض کنم که نماینده محترم در دو قسمت ...
جمعی از نمایندگان - نمیشنویم آقای چه میگویند بلندتر بفرمائید.
رئیس - آقای آنجا تندنویسها قادر نیستند نطق شمارا بشنوند. اینجا بیائید.

طهرانچی (یشت گرسی خطاب) - مذاکره ایشان در دو قسمت بود که بنظر بنده هر دو قسمت مؤید همین لایحه است یکی راجع بقسمت احتیاجات بود که عرض میکنم این قسمت اصلاً مربوط باین لایحه نیست این لایحه مربوط بطرز جلوگیری از قاچاق است و آنکه فرمودید راجع است باصل آن کمترینانی که دولت تهیه میکند برای اجناس و از آنجا اگر نظری دارید (که آن حق بموجب قانون بدولت واگذار شده که چه قسمتی را یعنی نظر کنند باحتیاجات مردم و مملکت که چه قسمتی را جزء اجناس

ممنوعه قرار بدهد و چه قسمتی را جزء اشیاء مجاز) در آن قسمت باید فرموده باشید و جایش در این لایحه نیست يك قسمت دیگر راجع بمنسوجات ابریشمی فرمودید اولاً راجع بقسمت مالهای ابریشمی که فرمودید که باید حتماً استعمال بکنند اینطور نیست آقا (صحیح است) و هیچ مجبوریتی ندارند زنها ما که استعمال کنند همیشه اجناس خارجی را (صحیح است) بعلاوه وقتی که اجناس همین رقم در مملکت هست دیگر کسی اجبار ندارد آنها را مصرف کند (افسر - صحیح است) و کم کم همین اجناس داخله جای آنها را میگیرد بنده نمیتوانم عرض کنم که کاملاً اجناس داخله ما جانشین و قائم مقام اجناس لوکس خارجه شده است ولی کم کم بآن مرتبه خواهد رسید (صحیح است) یعنی آنها هم اول همینطور بودند بعد کم کم و بتدریج تکمیل شده اند و البته اینطور قوانین در این مملکت باید وضع شود تا جلوگیری کند از ورود اجناس لوکس و اجناسی که تهیه آن در داخله مملکت ممکن است و تشویق بشود (صحیح است) و اگر غیر از این باشد ما نمیتوانیم قنادر باشیم که تعادل و توازن بدهیم صادرات و وارداتمان را و این منظورمان را تأمین کنیم و از ورود این اجناس جلوگیری کنیم. قسمت ثانی هم که فرمودید راجع بوسعت سرحدات که جلوگیری از قاچاق باین واسطه بکفدری مشکل است این مطلب صحیح است و البته بهمین دلیل بوده است که این لایحه آمده است چون جلوگیری از قاچاق در آن سرحدات که فرمودید بکفدری مشکل است و همین اشکالاتی که فرمودید پیش آمده است و فعلاً برای اینکه کاملاً جلوگیری بشود و زود تر و بیشتر بمقصود برسیم این است که این قانون آمده است و در داخله مملکت هم تا یکسال بآنها مهلت داده شده است که يك مالهایی را که قبلاً وارد کرده اند و مشمول اجناس ممنوعه نبوده است آنها را در ظرف یکسال باید بفروشند و بعد از آن هیچکس حق خرید و فروش ندارد پس بالاخره همان نظر آقای طهرانی است که هم در سرحد جلوگیری شود

و اگر اتفاقاً هم از سرحدات وارد کردند در داخله جلوگیری شود و بالاخره مقصود و منظور قانون انحصار تجارت که اصل تعادل صادرات و واردات است اجرا و تأمین بشود. (صحیح است)
رئیس - آقای اعتبار.
(کفته شد - نیستند)
رئیس - آقای ملک مدنی.
ملک مدنی - موافقم.
رئیس - آقای دشتی.
دشتی - عرض کنم که بالاخره بنده با يك ادله می خواستم با این لایحه مخالفت کنم اولاً بنده میخواستم يك مثلی را عرض کنم در حکایات و امثال قدیم مان دیده ایم که يك مردی را داشتند حد میزدند یکی گفت چرا او را حد میزنید گفتند چون آلت فسق همراهش بوده است يك شیشه شراب همراه داشته و این آلت فسق است باید حد بخورد عرض کنم که آن مرد گفت پس من را هم باید حد بزنید عرض کنم که اینجا هم ...
عده از نمایندگان - آقا بلندتر بفرمائید نمیشنویم.
دشتی - عرض کنم که لایحه را هم که وزارت اقتصاد تهیه کرده است تقریباً همینطور است. عرض کنم که دولت يك اجناسی را اجازه داده است که وارد کنند يك اجناسی را هم ممنوع کرده است که وارد نشود خوب باید دید وسایل جلوگیری از ورود این اجناس ممنوعه چیست و چطور باید جلوگیری کرد؟ آیا این اجناس را اگر در داخله دیدند باید جلوگیری کنند و بگیرند و آتش بزنند که معقول نیست این یا در سرحد باید مواظب باشد که وارد نشود بیهیچوجه؟ وقتی يك دولتی گفت من ورود این اجناس را ممنوع می کنم باید وسایل جلوگیری را هم فراهم کند نه اینکه در داخله مردم را موظف کنند که حتماً تا یکسال اجناسش را باید بفروشند بعد از آنهم در هر شهری يك بازاری درست کند که مرکز اداره تجارت باشد و مردم اجناسشان را اگر ندادند یا فروخته بودند در آن جا بشکل حراج فروخته

شود این اجناس ممنوعه؛ اینها بالاخره يك چیزهایی است که سخت است و دولت در اجرائش دچار محذور می شود دولت میکوبد این اجناس را نباید وارد کنید و اگر وارد کردید حکم قاچاق را دارد و فلان طور باشما معامله خواهد شد ولی باید از اول مانع ورودش بشود و مواظب هم باید باشد دقت هم بکنند که وارد نشود و قاچاق نکنند. اگر هم برای اجناسی است که قبلاً وارد این مملکت شده است دیگر لازم نیست تا یکسال مهلت معین شود که مجبور باشند در ظرف این مدت بفروشند. چه داعی دارید این کار را بکنید این کار بیپوده است ده سال باشد ده سال دوازده سال نگاهدارند و بفروشند. فرض بفرمائید که صد میلیون پارچه های ابریشمی قبل از این قانون و موقعی که جزو اشیاء ممنوعه نبوده است وارد این مملکت شده است آنها که جزو قاچاق محسوب نمیشوند و این قانون هم که برای آنها نباید باشد آزادند که بفروشند شما می خواهید بوسیله این قانون جلوگیری از قاچاق بکنید بسیار خوب و می خواهید بین جناس فعلی دیگر چیزی اضافه نشود خوب عمل است. این اجناسی است (یعنی شما میگوئید) که چون نمیشوند در سرحادات از قاچاق جلوگیری کنیم بنا بر این در سرحادات جلوگیری میکنیم این بعقیده بنده يك چیز منطقی نیست برای دولت و بعقیده بنده هم دولت باید اصولاً از سرحاداتش شروع کند و جلوگیری از قاچاق و ورود اجناس و مال التجاره های ممنوعه بکند نه از داخله این که عملی و منطقی نیست صحیح نیست. از سرحاد باید شروع کند و مواظبت کند البته در اوائل امر در هر قانونی که ملاحظه بفرمائید همینطور چیزها پیش می آید محظورات و مواظبتی سد راه میشود ولی باید بتدریج مشکلات را برطرف کرد تا قانون کاملاً اجرا شود. اگر همان قانون را دولت تدریجاً و بطور مرتب کار کند بطور حتم در مدت يك سال یا دو سال می تواند قانون را بطور کامل اجرا کند مثلاً ملاحظه بفرمائید شما در قانون انحصار

قند و شکر و چای. کلیه قاچاقی که حالا میشود با قاچاقی که در چهار سال قبل سه سال قبل میشد بطور قطع صدی پنجاه صدی هفتاد تنزل کرده است. برای چه؟ برای اینکه دولت وسائل جلوگیری را بتدریج فراهم کرده است و کار پیشرفت کرده و بالتبعه قاچاق کم شده است تا اندازه حالاهم باید دولت وسائل جلوگیری از قاچاق را بتدریج و کم کم فراهم کند و همان قانون را اجرا کند اما اینطور که اداره تجارت يك همچو لایحه را بردارد و بیاورد به مجلس شورای ملی و بگوید که هر جنسی را که دولت ممنوع کرده است این را در ظرف يك سال باید صاحبان آن بفروشند و اگر نفروختند مجبورند که بیاورند و بدهند و بدولت تسلیم کنند تا در مراکز معینی از طرف دولت بفروش برسد این خوب نیست این یعنی چه؟ آخر چه الزامی دارد که در ظرف یکسال بفروشد اینکه عملی نیست افعالاً و برای این اجناس ممنوعه الورد چیست و مقدارش چقدر است آخر باید فهمید. مثلاً بنده میدانم که پارچه های ابریشمی یا فرض بفرمائید عطر و اودو کولونی و اینها رو بهمرفته تماماً در حدود سیصد هزار تومان چهار صد هزار تومان با این ترتیبش بیشتر نیست

عده از نمایندگان - بیشتر است آقای

دشتمی - نه آقای بیشتر نیست من اطلاع دارم و میدانم در حدود همین مبلغ است. در صورتیکه اکثر صادرات مان خیلی بیشتر از اینها است و مربوط باین طور چیزها نیست و اینها هم غالباً مربوط بجوانب مردم است از قبیل پارچه های پنبه و ابریشمی و سایر چیزهای جزئی است ولی خصوصاً در این سنوات اخیر بیشتر عدم تعادل صادرات و واردات، مربوط بود و انومبیل و لوازم انومبیل بوده است. و لوازم رام آهن و این چیزها قسمت عمده اش بوده است لازم بوده و منع هم نمی توان کرد تعادل و توازن محسوس صادرات نسبت بواردات ایجاد کرده است و الا ملاحظه بفرمائید که مثلاً در تمام مدت سال صد هزار تومان پارچه ابریشمی یا پنجاه هزار تومان پارچه ابریشمی وارد این مملکت شده این چندان اهمیت ندارد و تفاوت فاحشی در تعادل صادرات و

واردات ایجاد نمی کند. اینکه آقای فاطمی گفتند که این لایحه کافی برای جلوگیری نیست و خوب است اساساً جرم کنید عرض میکنم این نمیشود آقا مثل اینکه شما يك قانونی را بگذارید که لباس پوشیدن حرام است همینطور نه این عملی نیست آنهم تقریباً عملی نیست آقا ملاحظه بفرمائید يك قسمت هائی است که باید درش تحقیق و تدقیق کرد. اساساً من میدانم هم چطور است ما يك وقتی که يك قانونی را می گذرانیم خیال می کنیم که مقررات این قانون باید صددرصدش اجرا شود و وقتی می خواهیم آن را اجرا کنیم مثلاً در قانون قاچاق باید تمام وسائل جلوگیری را يك مرتبه فراهم کنیم و اجرا کنیم این که نمیشود باید بمرور و بتدریج بمقصود رسید و قانون را اجرا کرد. فرمودند باید حرام کرد این قسمت عملی نیست آقا.

یکی از نمایندگان - در هندوستان حرام کردند

دشتمی - در آن جا اصلاً حرامت دارد یعنی اصلاً جنس حرام است عن جنس حرام است و نجس العین هست برای شان ولی شما که جنس را حرام نکرده اید. جنس را اگر شما حرام بکنید که نباید صرف شود بلی ولی اگر جنس حرام نباشد شما می گوئید وارد نشود این همان میشود که آقای فاطمی فرمودند. شما جنس را حرام کنید وقتی که حرام کردید هر جنسی که وارد سرحادت هر چه باشد و مال هر که باشد باید مجازات سخت برایش قائل شد ولی باز هم اجرای آن مشکل است و بتدریج باید پیش رفت و وسائل فراهم کرد ملاحظه بفرمائید که امروز دولت اتانزونی با تمام این وسائل که دارد و با آن شدت و التهای که نسبت بقاچاق مشروبات بخرج میدهد معذک بطور حتم قاچاق در آنجا خیلی میشود ولی اگر قاچاق مشروبات را در اتانزونی حالا مقایسه کنیم با چند سال پیش از این می بینیم بتراتب کمتر شده است و بتدریج اجرای قانون پیش رفته است همینطور در ایران قاچاق قند و شکر را مقایسه کنیم وضعیت حاضرش را با وضعیت چند سال پیش

البته سالهای پیش بیشتر قاچاق می شده است. اما در قسمت قاچاق اجناس و امتعه ممنوعه الورد دولت باید اولاد سرحادات و وسائل جلوگیری را فراهم کند و بتدریج اقدام کند بنده بادم می آید که در سه چهار سال پیش غیر از بندر لنگه و بندر عباس و بندر بوشهر و بندر ریگ در تمام سواحل جنوب بقدری قاچاق قند می شد که حدناشت ولی آن هیچ نیست و فقط در يك بندر شاید بوده است که آن بندر عسو بوده است که آن را هم دولت جلوگیری کرده است و يك شخص یافعی در آن جا بوده است و دولت مسلط شده است و بالاخره آن جا هم قاچاق دیگر نمیشود و بهر جهت حذف شد و همین ترتیب هم ورود و قاچاق اجناس ممنوعه الورد از بین میرود و حالا لایحه آوردن که در داخله در بازارها جنس را تحقیق و تقشیش کنند و تا يك سال بگویند باید بفروشند در داخله بعد طور دیگر باشد بنده این را که تصور میکنم خیلی عملی و منطقی باشد و باین ترتیب جلوگیری قاچاق در داخله تصور نمی کنم عملی باشد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم که چند نفر از آقایان در کلیات این لایحه مخالفت کردند و بنده کاملاً دقت کردم در فرمایشاتشان خصوصاً فرمایشات آقای طهرانی را و بنده ملتفت شدم که لایحه را دقت فرموده اند بعلم اینکه این لایحه کاملاً منظور ایشان را تکمیل میکند عرض کنم که دولت يك لایحه گذراند لایحه قانون انحصار تجارت و يك اشیائی را هم که ضروری میدانست برای این مملکت و ورودش را لازم نمی دانست آنها را هم ممنوع کرده است ولیکن اشکالی در کار بوده آن اشکال این بود که تجار با اداره تجارت اظهار می کردند که ما بیش از آنکه این قانون بگذرد اسعار خارجی مطابق قانون خریدیم و فرستادیم بارویا و این اشیاء را هم که آنوقت ممنوع نبوده خریدیم و فرستادیم بعد شمس يك قانونی گذراندید و این اسباب اشکال مآخذ. يك سال مهلت داده شد خیلی خوب آن

يك سال هم گذشت و آنها باز وارد کردند و باز هم آلان ما می بینیم که مغازه ها پراست اطافها پراست از اشیاء ممنوعه و بانها رجوع میشود میگویند آقا از سابق داشتیم و سابق مجاز بوده است که وارد شود ما هم وارد کرده ایم و حالا میفروشیم در حالتیکه قطعاً اینطور نیست و در حالتیکه مسلماً بطور قاچاق وارد این مملکت شده و بقیمت های خیلی گزاف که واقعاً مردم را تمام کرده است بفروش میرسد این اشیاء وحد یقف هم ندارد. همیشه هم میگویند از پیش داشتیم هیچ راهی برای دولت نیست که به بیند این اشیاء ممنوعه را از سابق داشته است یا بقاچاق وارد کرده اند راه تفتیش هم نیست (یکی از نمایندگان - سرحدات را ببینند) میفرمایند سرحدات را ببینید و نگذارید بیاید اولاً این جمله سرحدات را ببینید يك جمله ایست غیر عملی. چطور؟ ملاحظه بفرمائید اگر بخواهند اینرا عملی کنند برایشان غیر مقدور است و غیر ممکن است بنده عرض میکنم که قدرت ما و تنظیمات اداری ما هنوز بدرجه آمریکا نرسیده است آنها با اینکه سرحداتشان با این درجه سخت بسته است باز ما می بینیم که در آنجا قاچاق هست و همه روز در جرایم می بینید که چند نفر را گرفتند چونکه مشروبات قاچاق کرده و فروخته بودند پس اینکه میفرمائید سرحدات را ببینید البته دولت آنقدری که در حیطه قدرت و اقتدارش هست باید اقدام کند فائز گمرکی را زیاد کند تقش گمرک را زیاد کند قوای گمرک را زیاد کند و از قاچاق جلوگیری کند لکن با این سرحداتیکه ما داریم مخصوصاً در حدود غرب و شرق و حدود خلیج فارس که همه میدانند تقشش کردنش يك کار مشکلی است. اما تقشش داخله بنده تعجب می کنم از آقای دشتی مگر در آمریکا که در گمرک تقشش می کنند دیگر در داخله اگر اشیاء ممنوعه در توی مغازه ها به بینند نمیگیرند و توقیف نمیکنند؟ پس اینهایی که همه روزه در جرائد و روزنامه ها می خوانند چیست؟ که گرفتند و حبس کردند و چه کردند. دولت وقتی يك شیئی را ممنوع کرد حق دارد در سرحد جلوش را بگیرد در داخله

از مهمترین قوانینی است که تا کنون از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است این جسا در اطرافش يك مذاکراتی شد که لازم است بیشتر بحث بشود و توضیحاتی داده شود چون اگر دفاع کاملی نشود سوء اثرهایی می کند در ولایات نسبت به اجناس داخلی و امتعه داخلی سوء اثرهایی میکند که اسباب دل سرد شدن استادان داخلی میشود و بنظر بنده مقتضی این است که اجازه داده شود يك توضیحات بیشتری داده شود.

رئیس - خوب اگر بنا باشد صحبت شود اشخاص دیگری مقدم بر شما هستند.

افسر - باید حرف زده شود هر کس حرف بزند بزند و الا سوء اثر دارد.

رئیس - آقا اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای افسر هم که موافقتند. آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده مخالفم.

فاطمی - عرایض بنده مورد توجه آقای رئیس کل تجارت بود ولی البته ایشان هم مجبورند که از لایحه که آورده اند دفاع کنند در جواب بنده ایشان يك فرمایشی فرمودند که بنده جواب ایشان را عرض میکنم و امیدوارم قانع شوند ولی آقای مؤبد احمدی اینجا يك مطالبی فرمودند که مقصود آقای طهرانی را تفسیر کردند و مقصود دولت را از آوردن این لایحه که يك اشیاء ممنوعه الان در شهر هست و امروز دولت وقتی که میخواست جلوگیری کند بهر مغازه و دکائی که مراجعه میکرد میگفتند اینها آلهائی

است که ما از سابق آورده ایم و برای اینکه اساساً این توهم رفع بشود دولت این لایحه را آورده است که این توهم رفع شود و مقصود دولت این است که بر آن چیزهایی که فعلاً در این جا هست دیگر چیزی افزوده نشود بنده حالا عقیده ام درست معکوس عقیده موافقین لایحه است عقیده بنده این است که همان امتعه ممنوعه که الان هست و شما تصور میکنید که آنها زیاد تر صورت میدهند موجودی شان را بنده عقیده ام این است که عموم اشیاء ممنوعه که فعلاً در این مغازه ها هست امروز عصر تمام مخفی میشود و میبرند بخارج مخفی میکنند و بد اداره تجارت هم صورت نخواهند داد اصل نکته بدبختی ما همین جاست آقا آنوقت چه خواهد شد؟ بوالهوسی های جاهلانه (همانطور که اول هم عرض کردم) و رقابتهائی که هست شروع میشود باینکه هر فردا بفلان مغازه رجوع کنند و با چه زحماتی این اجناس را بقیمت گزاف بفروشند این هم که راجع به مشروبات الکی اشاره فرمودید اینها هیچ اساساً مورد اشکال و زحمت نیست چیزهایی که مورد اشکال و زحمت است چیزهای دیگری است و هر چیزی را که امروز در بازار فروخته میشود است چهار تومان فردا هشت تومان هم بدست مردم نخواهد آمد بول جلو باید ببرند و بدهند بحرمانه بدست بیاورند بنده يك نکته را بعرض میرسانم و آن اینست که میگویند اجناسی که يك اشخاصی وارد کرده اند میگویند خوب آقا ما چه کنیم کرده ایم اینها ما در يك موقعی این اشیاء را وارد کرده ایم که اصلاً قانون انحصار تجارت در این مملکت نبوده است و ورود این اشیاء هم ممنوع نبوده و آزاد بوده بنا بر این ما مرتکب خلافی نشده ایم این را بنده هم تصدیق دارم ولی این دلیل را عیناً بنده اینجا يك روزی اقامه کردم برای آقای وزیر عدلیه با آقای وزیر مالیه برای محصلین اعزامی که آن روزی که این محصلین را اولیای اطفال بارو یا روانه کردند لیره چهار تومان بود و يك محصل در ماه شصت تومان خرجش میشد حالا هم شده است ۲۵۰ تومان آن روز هم که

بنده اطلاع نداشتم که شما يك قانون اسعار خارجی و اسعار تجارتي می آورید و میزان لیره اینطور میشود و این دلیل را شما از ما قبول نکرديد ولی دلائل هم در مواقع خود فرق میکند بکوقت البته موقع عادی است اهمیت ندارد البته میشود این کار را کرد بکوقت موقع فوق العاده است و بعقیده بنده امروز در این مملکت برای خیلی از طبقات موقع موقع فوق العاده است از حیث اقتصادیات چرا؟ برای اینکه يك روزی البته يك محصولات داخلی در این جا بود تریك بازارش خوب بود کسانیكه تریك داشتند استفاده میکردند گندم و جو و پنبه قالی خریدار داشت و خیلی خوب بود بازارش بسته و بادام و کشمش و اینها عموماً خریدار داشت و در خارجه خریدار داشت بازار فرش شما خیلی بهتر از این بود. بازار کتیرای شما و این چیزها خیلی خوب بود ولی امروزه علاوه بر آفات عمومی که هست وضعیت پریشانی حال مردم و نداشتن قوه خرید از همه بدتر شده است و از همه بدتر با بودن این پریشانی ها و بودن این اشياء و بفروش رسیدن آنها و رقابت های جاهلانه هم که هست این بنظر بنده يك چیز خیلی فوق العاده است و اینکه بنده عرض کردم تحریم و عرض بنده را طور دیگر تفسیر کردند بنده عرض کردم چون موقع موقع فوق العاده است میتواند مجلس شورای ملی بنام سعادت عمومی فلان چیز و فلان چیز را تحریم بکند خیلی عرض بنده صاف و ساده بر راست حسینی بود. آمریکا میگوید من میل ندارم بهیچوجه بمملکت من مشروبات الکلی وارد شود و نمیخواهم در داخله مملکت من مشروب استعمال کنند شاید يك عده زیادی هم در آنجا يك ناک مردم هم شاید طرفدار استعمالش باشند ولی دو ناک دیگر مردم و دولت طرفدار منع استعمالش هستند اینجا هم چه مانعی دارد که افراد این مملکت این مردم فقیر و بیچاره فلان پارچه و فلان پارچه را استعمال نکنند این را نمیشود گذاشت روی دست فلان کسبه و تاجر بی رحم و بی انصاف

و بیمررت که هیچ جور رحم و انصاف و مروت ندارند با او هر نوع دلش میخواهد معامله کند. شخصی که هزار تومان سرمایه اش بوده است حالا بنده نمی خواهم اینجا اسامی اشخاص را در اینجا عرض کنم و الا همین جا به آقای رئیس تجارت اسامی آنها را میدادم و دانه دانه صورت بهشان میدادم و اینهم که میگویند قاچاق را جلوگیری کنند آنها هم باز بنده پشت تریبون نمیتوانم عرض کنم که مصلحت نیست گفته شود که نمیشود جلوگیری کرد از قاچاق. دولت با تمام اقتدار و قوتی که دارد اگر تمام سرحدات را نظامی بگذارد باز از این قبیل اشياء از قاچاق این قبیل اشياء بيك دلائلی که بنده دارم و در خارج هم که به آقای رئیس تجارت عرض کنم قانع خواهند شد که نمیشود جلوگیری کرد پس چرا بیخود مردم را در زحمت و اشکال بیندازید آقا چه مانعی دارد که يك لایحه بیاورید و این اشياء را ممنوع کنید آنوقت يك اشياء موجودی هست این اشياء را آقای روحی گفتند چهار صد هزار تومان است (بعضی از نمایندگان - خیلی بیشتر است) اگر چهار صد هزار تومان است اگر يك ملیون است اگر دو ملیون است اگر سه ملیون و پنج ملیون است اشکالی ندارد (افسر - پنج ملیون بیشتر است) بنده هم عقیده ام این است که پنج ملیون هم بیشتر است شش ملیون هم زیاد تر است آقا يك زیر زمین هائی توی خیابان لاله زار هست که يك ملیون اشياء ممنوعه که امروز مذاکره اش هست توی آنها است ولی امروز ممکن است دولت بنام سعادت عموم يك مالیات فوق العاده وضع کنند و الا با این رویه باز هم بنده چیزی عرض نخواهم کرد البته رأی اکثریت و آقایان مطاع است ولی برای اینکه بدانید این مرتبه هم مثل سابق حدسیات بنده صائب است این عرضی را که کردم و نتیجه اش را پس فردا در ماه های آتی ملاحظه خواهید فرمود.

رئیس کل تجارت - عرض کنم بنده ناگزیرم چند کلمه يك کلیاتی را عرض کنم که قضیه از نقطه نظر

کلیات يك قدری تشریح بشود و منظور اصلی واضح و روشن باشد آنوقت در اطراف قضیه صحبت بشود اصلاً چرا دولت آمده است و سهمیه برای واردات معین کرده است چرا قانون انحصار و آقایان این اجازه را بدولت دادند برای تعادل صادرات و واردات است برای این است که واردات ما بیش از صادراتمان است این هم يك مسئله پیش پا افتاده است که همه آقایان میدانند و اینهم که آقای دشتی فرمودند اشياء ممنوعه مقدارش کم است و ناچیز است اهمیتی ندارد ارزش ندارد این اقدامات بشود این را بنده خیال میکنم اشتباه فرموده اند همانطور که عقیده خودشان بود اشياء ممنوعه ورود فعلی از بیست و هشت ملیون بیشتر است همین يك قسمت آن چیز هائی است که قاچاق بردار نیست و دولت کار ندارد سر بر اشخاصی که مقصدی خرید و فروش آنها هستند بگذارد هست تا تمام شود يك قسمت آن چیز هائی است که الان مورد بحث است باید صورتی از آن تهیه کنند و بدهند و الا آئینه قدی یا جار و رودش ممنوع است ولی کسی نمیباید جار یا آئینه قدی را قاچاق وارد کند اما پارچه ابریشمی را قاچاق میکند. بنده تصدیق میکنم جوراب را قاچاق می آورند مشروبات را قاچاق می آورند يك چیز هائی هست که میشود قاچاق کرد جعبه های خرازی البسه هائی که در بازار فروخته میشود و حاضر و مهیا است این جور چیزها دولت فعلاً منظورش این است که در باره آن اجناسی که فعلاً مشغول حاضر دارد و مردم قاچاق میکنند يك اقداماتی بکند و يك سخت گیری هائی بشود که در آتی جلوگیری شود و بوالعوسی هائی هم که در کار نبوده است همانطور که آقای دشتی اینجا فرمودند انومبیل را نمیشود جلوش را گرفت مقدارش را هم نمیشود کم کرد نطف و بنزین را هم نمیشود جلوش را گرفت آنها ما بحتاج عمومی شده است يك قسمتی هم در خود تجارت و ترانزیت مدخلیت دارد پس مادامیکه ما صادراتمان با وارداتمان تعادل نمیکند يك قسمت آن احتیاجاتمان را حذف کردیم و کفایت

هر وقت صادرات ما وافی شد آن احتیاجاتمان را در بازار های خارجه رفع میکنیم والا ما نمیخواهیم کرباس پرشی کنیم یا گونی تنمان کنیم خیر پارچه لوکس ابریشمی هم خیلی خوب است برای افراد این مملکت در صورتی که موجبات خریداریش را فراهم کرده باشیم. میفرمائید که ما آن قسمت را تحریم میکنیم یعنی مجلس شورای ملی رأی بدهد بحرمت آنها یعنی رأی بدهد بحرمت معامله یا حرمت استعمال (فاطمی - بحرمت استعمال) حکم بحرمت استعمال اجناس ممنوعه فعلی عبارت است از اتلاف چندین ملیون سرمایه های مردم این مملکت برای اینکه اغلب لباس هائی که تن مردم هست و اثاثیه هائی که توی خانه ها هست پوشیدن و استعمالش بمردم حرام میشود (صحیح است) پس نمیشود استعمالش را حرام کرد سخن درین میاید که حکم متوجه خرید و فروش شود یعنی مغازه هایش بسته شود بازاری برای خرید و فروش نباشد ما همین کارها را می کنیم بلکه بعد از یکسال هیچکس حق خرید و فروش این چیزها را ندارد مگر بانظر دولت آنها آن جنسی که از سابق باقی مانده است ولی تصدیق میفرمائید که الان عملی نیست و مشکلات زیاد ایجاد میکند و علاوه يك چیز هائی هم هست در مملکت که بدلتش دارد تهیه می شود آقایان تصور میکنند که اگر اجناس ممنوعه باشد گران باشد یا مثلاً تحمیل زیادی شود این را هم چون خیلی ما از خارج بمن می گویند که قانون انحصار برای مصرف کنندگان گران تمام می شود اگر این قضیه را تفکیک نکنیم از نقطه نظر مسائل مختلفه عیبی ندارد یعنی اگر جنس ممنوع گران شود بحدی که هیچکس نتواند بخرد مقصود ما حاصل است ما مقصودمان این است که کار را باین جا برسانیم مادام که مشروبات خارجی گران نشود کارخانه برای مشروب سازی در جلغای تبریز حاضر نمی شود مسادامی کسه پارچه های ابریشمی گران نشود کارخانه های نساجی یزد مثل حالا بکار نمی آید پس بهترین مشوق صنعتگر برای توسعه صنعتش این است که خریدار زیاد داشته باشد و بازار داشته باشد و خوب هم

بخرند چرا مخمل بافی کاشان دوباره بکار افتاده است و دو مرتبه حالا حیوتی از نو دارد از سر می‌گیرد برای این است که مخمل‌های فرنگی که آمده است طوری ارزان فروش رفته است که مردم را معده کرده است که مصرف بکنند و حالا از حسن اتفاق دوتا پیرمرد پیدا شدند در کاشان که اگر این دوتا پیرمرد هم از بین بروند دیگر شاید در ایران کسی این کار را بلد نباشد و حکومت کاشان تعقیب کرده است که یکمده را آنجا نریت کنند که این کار را بکنند خلاصه اینکه اگر آقایان این فکر را داشته باشند که اجناس ممنوعه بحدی گران شود که قوه خریداری مردم سلب شود نتیجه حاصل می‌شود آقایان باید تفکیک کنند بین اجناس ممنوع‌الورود و اجناس مجاز و آن قسمت مجاز را باید سعی کنند که جلوگیری نشود عقیده و فکر خود ما این است و دولت هم جداً مراقب این کار است و یک مقدماتی هم برایش فراهم شده است و منتظریم که عرضه‌اش زیاد شود و اگر از این راه نشد یک فکرهای دیگری می‌کنیم ولی اجناس ممنوع‌الورود باید باندازه گران شود که هیچکس نتواند بخرد این جزاً فرضاً اگر هزار تومان قیمتش است بشود ده هزار تومان بعقیده بنده برفع مردم است برای اینکه کسانی که هزار تومان دارند و هر قدر قیمت جنس بالا برود قوه خرید کم می‌شود و بکلی از بین می‌رود. تنها چیزی که متلاطم است قسمت زینت و ما همیشه عقیده‌مان این بوده و حالا هم هست که می‌گفتیم الرجال قومون علی النساء ولی آنها نمی‌شوند اخیراً هم در کمیسیون عدلیه که آقای وزیر عدلیه هم تشریف داشتند از طرف دولت وعده داده شد که در این باب یک مطالعه بکند و برای اینکه راه حلی پیدا کند که اگر چادرهایی که الان در یزد حاضر می‌شود به بینیم کافی است چنانچه بعقیده ما اگر این طوری که الان این صنعت دارد پیشرفت میکند ممکن است این کافی شود زیرا چادرهای معمول فعلی که مورد احتیاج سکنه قم و کاشان نیست سمنانی و دامغانی که معتاد به آن نیستند تنها باعث بدبختی همین عادی است که زنهای طهران پوشیدن این چادر دارند و هر چه

تأخیر شود در جلوگیری از این قسمت البته بضرر مملکت است زیرا که همین چادر را توسعه میدهند استعمالش را در شهرهای دیگر اگر بتوانیم متوقفش بکنیم پوشیدن این چادر را در خود طهران خوب است ولی در هر صورت باید سعی کرد و بدل این را تهیه کرد مثل چادرهایی که در یزد است یا چادر رنگی دیگر من نمی‌دانم رنگ سیاه چه اختصاصی دارد چه ارتباطی بمطلب دارد اگر سایر رنگها باشد چطور می‌شود بکجا (افسر - تیره باشد رنگ دیگر باشد صحیح است آقا) بر می‌خورد این ها که در این مملکت عادت نبود زنهای ما که این عادت را نداشتند این سنوات اخیر این عادت پیدا شده دولت در فکر است که در این باب مطالعاتی بکند و امیدوارم که یک راه خوبی فکر کنند که نگرانی بعضی آقایان هم رفع شود و امیدوارم آقایان در کلیات رأی بدهند چنانچه در فراکسیون هم خیلی صحبت شده بود و آقایان اکثرأ موافق بودند (بعضی از نمایندگان - کافی است)

افسر - بنده کافی نمیدانم

رئیس - بفرمائید

افسر - گویا ملاحظه نظری که آقای دکتر طاهری داشتند فرمودید البته مطالبی است که الان هم اکثریت دارد در فراکسیون در کمیسیون در کمیسیون عدلیه همه جا مذاکره شده است اینها اشکال ندارد حرف سر این قسمت است که آقای طاهری تذکر دادند مردمانی که تمام سرمایه خودشان را گذاشتند برای امتعه وطنی و کارخانه وارد کرده اند گاهی می‌شود که خیال میکنند که این قانون هم همه روزه متزلزل می‌شود و ممکن است بحال دیگر برگردد آنطوری که بوده است شدت اشتیاق آنها را تأمین نمی‌کند مقصود آقای طاهری این بود که این جا بحث شود و مذاکره شود همسان قدری که یک قسمتش گفته شد که دولت منظور نظرش ترویج امتعه داخلی است و این قانونهایی که می‌گذارد برای توسعه امتعه داخلی است و حتی الامکان نمی‌خواهد اجناسی که ولو پنج درجه

پست ترش در داخله تهیه می‌شود اجازه بدهند وارد شود و هر مشکلی را دولت متحمل می‌شود برای ترویج امتعه داخلی و توازن صادرات و واردات است مقصود ما این بود و البته چون یک قسمتش را آقای یاسائی و آقایان دیگر فرمودند خوب کافی است مقصود این بود که سوء تفاهمی در نقاط مملکت پیدا نشود و الا اصل لایحه لایحه خوبی است و همه موافقت.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقایانیکه با ورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - اداره کل تجارت مکلف است از اجناس خارجی ممنوع‌الورودی که از طرف دولت معین خواهد شد صورتی تهیه کرده و اعلان نماید. اشخاصی که اجناس ممنوعه مذکوره در اعلان را برای فروش تجارتنی موجود داشته باشند مکلفند که اولاً صورت اجناس مزبور را منتهی در ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اعلان در هر محل بداره کل تجارت در مرکز و در ایالات و ولایات به نمایندگی آن اداره تسلیم نموده رسید دریافت دارند.

ثانیاً در ظرف یکسال از تاریخ اعلان مذکور در آخر هر ماه صورت فروش آن ماه را نیز بداره کل تجارت و یا نمایندگان آن اداره تسلیم نمایند.

بعد از انقضای مدت یکسال مذکور اجناس ممنوعه که بفروش رفته باید در ظرف یکماه بمرکز فروش که در هر محل از طرف دولت تعیین خواهد شد تحویل گردد تا تحت نظارت دولت و صاحبان اجناس بقیستی که دولت معین می‌نماید بفروش برسد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده موافق هستم و بعد از یک مخالفی

حرف می‌زنم.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده هم موافقم بعد از مخالف

رئیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - عرض میکنم قریب دو سال است

که در نتیجه بحران اقتصادی دنیا یک لوايح زيادي راجع باءور تجارت و اقتصاديات به مجلس آمده است و قانون انحصار تجارت گذشته است و هيچ نميشود منكر شده كه از نقطه نظر فوائد زيادي كه تصور ميشد كه اين قانون براي مملكت دارديك تحميلاتى هم در زندگى عمومى و افراد در نتيجه اين قوانين وارد شده است و كسى نميتواند اين را منكر شود و نتيجه كه دولت و مردم آرزومند بودند اين بود كه در نتيجه اين قانون انحصار تجارت صادرات و واردات مملكت تعديل شود اين نقطه برجسته بود كه از وضع اين قانون دولت و مجلس در نظر داشتند بنده خيلى متأسف هستم كه با مساعى جديله كه دولت بكار برده است و با اينكه يكى از مهمترين افراد كارى و جدى ما امروز در رأس اداره تجارت قرار گرفته است اين منظور كاملاً حاصل نشده است بلكه نميخواهم عرض كنم كاملاً و ميخواهم لفظ كاملاً را هم حذف كنم و بگويم اين منظور حاصل نشده است و بهترين دليلي كه هميشه ميشود از براي صحت و سقم يك قضيه مقدماتى داشت عبارت است از نتيجه كه اگر نتيجه خوب بود و درست بود معلوم ميشود كه صغرى و كبرى و مقدمه درست بوده است و اگر نتيجه غلط در آمد معلوم ميشود كه مقدمات هم غلط بوده است اين يك مسئله منطقي قطعى است و بعقیده بنده اگر يك نظري بوضعيت اسعار خارجي بكنيد معلوم ميشود چون بعقیده بنده اسعار خارجي رقيمت ان ترمو متری است كه نسبت صادرات و واردات را معين ميكنند واقعا حساس ترين ترمو متری كه معين ميكنند بورس قيمت اسعار خارجي است و اگر بطوريكه لازم است ارفايمى كه از گمرك ميدهند و اداره تجارت در دست دارد صادرات ما بر وارداتمان اضافه بود اسعار خارجي بايد تنزل كرده باشد ولي ترقى فوق العاده

که امروز بخودش داده است بما نشان میدهد که متأسفانه واردات ما میچربد بر صادراتمان و هیچ جای شبهه نیست که يك قسمت مهم این مسئله در نتیجه قاچاق است که دولت هم متوجه شده است و این لایحه را امروز آورده است از برای جلوگیری و بعقیده بنده هر اقدام شدیدی و هر نوع قوانینی که وضع شود برای جلوگیری از اعمال نامشروع و قاچاق و تعدیل صادرات و واردات مملکت فوق العاده نافع است چون ما بتجربه فهمیده ایم که در مملکت ایران با احساسات عمومی و وطن پرستی افراد راجع به منع دخول و عدم استعمال اجناس مضره نمیشود زیاد اعتماد کرد آلان هر کس به مخارج زندگی شخصیش نگاه میکنند می بینند که آنچه امسال خریده است از اجناس ممنوعه دو برابر و سه برابر پول داده است و چیزی هم ندارد پس نمیشود بانها اعتماد داشت و فقط بوضع قوانین و مجازات خیلی شدید باید اعتماد داشت این را بنده موافقم فقط چیزی که بنده در این جا عقیده دارم این است که ان کاری را که بعد از یکسال دیگر میخواهند بکنند و در این یکسال يك صدمات و زحمانی متوجه مردم خواهد شد این را امروز بکنند که بعقیده بنده بهتر و مناسب تر است و بیشتر بصرفه و صلاح مردم است امروز اجناس ممنوعه ورود بعقیده بنده دو طبقه است يك چیزهایی است که در احتیاج عمومی است يك چیزهایی است که در مورد احتیاج مردم نیست مثل مجسمه ها که فرمودند ممنوع ورود است و الان هم در مغازه ها مانده است ولی بعضی اجناسی که آنها اسباب زحمت مردم شده است و باب قاچاق را در مملکت باز کرده است دولت چه مانعی دارد که این اجناس را امروز خریداری کنند و بالاخره باین موضوع خاتمه بدهید این کاری را که در یکسال دیگر میخواهید بکنید و در ظرف این مدت اسباب زحمت همه فراهم خواهد شد (گفت مردن بکدفعه و شیون هم یکدفعه) امروز همین کار را بکنند و بالاخره باین حرف ها خاتمه بدهند.

رئیس - آقای طهرانچی

ایجاد میکند یکی از فوائد قانون انحصار تجارت این است که قریب ۲۵ مایون از واردات غیر لازم را دولت جلوگیری کرده است دیگر از فوائدش این است که وقتی ورود اجناس محدود می شود اجناس مشابه آن در داخله تهیه می شود چنانچه بنده يك مرتبه دیگر از فوائد این قانون عرض کردم که در تمام شهرهای ایران هر جا نیست با استعداد خودش و نسبت بسوابقی که در ساختن مصنوعات و بافتن منسوجات داخلی داشته همه جا ترقیات فوق العاده حاصل گشته بیکارهایی که بوده اند همه را بکار وا داشته اند و همه استفاده های مهمی می برند همه در رفاهیت و راحتی از وضعیت فعلی و دولت حاضره و دعاگری شاهنشاه معظم که تمام فکر و حواسشان صرف استراحت عامه است هستند قانون انحصار موجبات رفاهیت عامه را در تمام نقاط مملکت فراهم کرده است و هر قدر تکمیل شود و سوراخهایی که دارد برای ورود اجناس قاچاق و سکه هایی که ممکن است باجری این قانون برسد رفع شود نتیجه های حسنه این قانون بیشتر محسوس می شود بنا بر این حالا که فوائد قانون انحصار تجارت معین و معلوم شد در صورتی که منتج نتیجه می شود که حقیقتاً مجرا شود و از قاچاق اجناس ممنوعه جلوگیری گردد مایه بینیم بعد از اینکه یکسال است قانون اجرا شده است بطوری که آقای ملک زاده اظهار کردند هنوز تعادل صادرات و واردات حقیقی فراهم نیامده و برای این است که قاچاقهایی در سرحدات و سواحل هست که هنوز دولت موفق نشده است کاملاً از آنها جلوگیری کند. منافع زیاد اجناس موجب ترویج قاچاق می شود چون فایده زیاد میکند و اشخاصی هستند که قلب در اینکارها می کنند و اجناس ممنوعه را وارد می کنند حالا برای اینکه جلوگیری بشود برای این دو راه است یکی که حضرت والا شاهزاده افسر فرمودند در فراکسیون دولت هم در نظر دارد که در سرحدات و وسائل حفظ سرحد را بیشتر فراهم کنند که قاچاق وارد نشود و در صورت ورود ضبط شود ولی برای اینکه ما بفهمیم وارد میشود یا نه مقیاسش از کجا معین می شود ولی اجناس ممنوعه موجوده را بر طبق قوانین موضوعه نمی شود آنها

یکی از مهمترین قوانینی است که از مجلس شورای ملی تا کنون گذشته و در ثروت و اقتصادیات مملکت مؤثرترین قوانین است هر دفعه که يك مذاکراتی در اطراف آن و نتایجش میشود در مجلس يك صحبتیهائی میشود که البته مبنی بر سوء نیت نیست و هر نماینده از نقطه نظر مصلحتی يك اظهاراتی میکند لکن ممکن است که این مذاکرات از فوائد و نتایجی که منظور از قانون انحصار تجارت است بکاهد و آنرا سست بکند این است که بنده معتقدم بیشتر مذاکره شود تا اگر در اصل قانون انحصار تجارت هم کسی حرفی دارد بگوید و اگر مطالب دیگری هم هست آنها گفته شود و جواب هر يك داده شود زیرا نتایجی که قانون انحصار تجارت دارد در صورتی است که مجلس شورای ملی و نمایندگان و تمام مردم پشتیبان این قانون باشند اگر چنانچه در مجلس يك مذاکراتی بشود از قبیل اینکه این قانون اسباب گرانسی اجناس شده است اسباب این شده است که باید کرباس پوشند اجناس کمیاب شده و مذاکراتی و نظایر اینها صنعتگران داخلی و استاد های این مملکت و صاحبان صنایع داخلی و اشخاصی که تهیه جنس میکنند و تجاری که باید کارخانه وارد کنند آنها را سست میکنند بنا بر این لازم میدانم چون مطالب مهم است در اطرافش بیشتر مذاکره شود که سوء تفاهمی ایجاد نشود و اسباب تشویق صنعتگران و تجار گردد بنده معتقدم این قانون قاچاق لازمه قانون انحصار هست و استفاده که از قانون انحصار تجارت باید بشود پس از تصویب این قانون است. يك مذاکراتی آقای طهرانی و بعضی آقایان دیگر کردند البته آنها سؤنیتی نداشتند که نسبت به محصولات داخلی يك صدمه وارد بیاورند ولی اگر چنانچه این جا مذاکره نشود و جواب داده نشود و نظریه مجلس کاملاً معین نشود ممکن است که اسباب سستی و رخوة بشود و آن برای اجرای نظریه که دولت در تشویق صنایع داخلی دارد که تجار را تشویق کند کارخانه جاتی بیاورند که رفع احتیاج ما را از محصول خارجی بنماید برای این منظور مقدس خیالی موافقی

طهرانچی - عرض کنم که آقای دکتر جزء موافقین

بودند منتهی قدری شدید تر (بعضی از نمایندگان - آقا باند تر) آقای دکتر از موافقین بودند فقط چیزی که بود این بود که فرودند یکسال زیاد است کم کنید و باصطلاح توافقشان نسبت بلا بجه شدید تر بود حالا بنده عرض کنم که جهة اینکه اینجا یکسال مدت معین شده چیست این لایحه بواسطه اینکه همینطور که عرض شد مقصود ازین لایحه جلوگیری از قاچاق است یعنی اشخاصی که حالا با بعد از آن قانون همینطور وارد میکردند و نمیشد کاملاً در سرحدات از شان جلوگیری کرد از آنها دیگر جلوگیری شود که نتوانند از راه های غیر مشروع وارد کنند و همیشه وارد کنند و از آن طرف منظور دیگری هم هست آنها که قبلاً وارد کرده اند و داشته اند و در وقت خودش مشروع بود و بعلاوه در ظرف همین مدتی که قانون انحصار خارجی گذشت بعضی اجازه ها داده شد راجع بعضی اجناس ممنوع ورود در مقابل تصدیق صدور غلّه و چه و چه البته اینها را نمیشود مقید کرد که بیابند و بگوئیم مال های موجودیشان را از شان بگیرند و بدهند بدست دولت که بفروشد البته خود صاحب مال بهتر میتواند مالش را بفروشد و بیشتر این اجناس ممنوع ورود را هم البته باید گفت يك اشخاصی مشروعاً این اموال را وارد کرده اند و آن موقع ممنوع بوده است حالا نمیشود همه را یکمرتبه تحدید کنیم و تضییق به شان وارد کنیم دولت هم در اینخصوص خیلی فکر کرده و بالاخره اینطور تصمیم گرفته شد یکسال مهلت داده شود و در ظرف این یکسال هم ظلم و فشاری بانها نشده باشد و هم دیگر بیش از این این اعمال نامشروع را ادامه ندهند

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - همینطور که در کفایت مذاکرات در کلیات عرض کردم نسبت بجلوگیری از اجناس ممنوعه. مطلب بطوری واضح است که جای مذاکره نیست ولی چیزی که لازم است مذاکره شود این است که این قوانین تمام تابع قانون انحصار تجارت است و قانون انحصار تجارت

را فعلاً ضبط کرد زیرا که هیچ قانونی عطف بها سبق نمی شود و یکوقتی مجاز بوده است که این اجناس را وارد کنند وارد هم کرده اند و حالا قانون آن را ممنوع کرده صورت بردارند و بتدریج بفروش برسانند که از بین برود. اینکه بعضی از آقایان میگویند اینها را تحریم بکنند بعقیده بنده برخلاف عقل و عدالت است چرا برای اینکه وقتی که قانونی نبوده و یک اشخاصی پولهایش داده اند و رفته اند این اجناس را خریده اند حالا اینها را بسوزانند؟ چکار کنند؟ این برخلاف عدل و انصاف است و مجلس نباید این رأی را بدهد پس عقل و عدالت این است که اینها را معین کنند و صورت بدهند که تا یکسال بفروش برسانند و بعد هم هرچه باقی ماند تحت نظارت دولت بفروش برود که ضرر و خسارتی هم متوجه صاحبان اجناس نشود از آنطرف هم معهود باشد که اگر یک مال التجاره مشابهی پیدا کرد از آنها صرف نظر نشود و ضبط شود و در هر صورت قانون انحصار تجارت بعقیده بنده بسیار خوب است و قانون متمم آن هم که همین لایحه است خوب است و عالیترین قوانین است این بود که این عرایض را بنده لازم می دانستم عرض بکنم و حالا مذاکرات کافی است

بعضی از نمایندگان - کافی است

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است قرائت می شود.

در ماده اول اصلاحات ذیل را پیشنهاد میکنم:

اول در سطر چهارم در ظرف دو ماه به یکماه تبدیل شود تا با در سطر ششم عبارت در ظرف یکسال اصلاح شود در ظرف هذالسنه تا آخر اسفند ماه ۱۳۱۱

رئیس - بفرمائید

اعتبار - البته وقتی که در اساس قضیه موافقت حاصل شد و همه آقایان مخالفین هم که اینجا صحبت کردند باز بالاخره همان آقایان مخالفین هم معتقد بودند که اقدام باینکار باید بشود و این وضعیت فعلی قابل دوام نیست قانون انحصار تجارت نتیجه وعوایدش به جیب یکمشت

یک جنبه هائی که ممکن است راه برای آنها پیدا کند جلوگیری کرده ایم این است که بنده خواستم تمناکم از آقای رئیس کل تجارت که با این پیشنهاد موافقت فرمایند که دو ماه را تبدیل یک ماه کنند و یکسال را هم به نه ماه تا آخر سال موافقت کنند.

رئیس - نظر آقایان مخبر و رئیس کل تجارت چیست؟
رئیس کل تجارت - عرض میشود اختلاف نظری که بین آقایان هست بکفصمت از آقایان فکرتشان خیلی حاد است و یکمده برعکس یکمده طرفدار تحریم و تقلیل مدت هستند یکمده بخلاف آن اگر آقایان اجازه بدهند یک موافقتی بکنیم بهتر از این است که یکی یکی پیشنهادات مطرح شود و در اطراف آنها صحبت شود این است که بنده استدعا میکنم اجازه فرمایند که پیشنهادات همه بکرتبه قرائت شود شاید بین خود آقایان پیشنهاد دهنده هم موافقتی حاصل شود چون وقت هم کم است.

نمایندگان - صحیح است.

رئیس - پیشنهادی از آقای رهنما رسیده است. این جانب پیشنهاد میکنم که مدت (یکسال) مذکور در ماده اول تبدیل به ششماه شود.

رهنما - بطوریکه آقای رئیس کل تجارت فرمودند راجع باین لایحه نظریات خیلی دور از هم است برای اینکه بعضی ها عقیده شان این بود که اصلاً لازم نیست مطابق دلالتی که خودشان اظهار کردند بعضی ها هم در مدتش اختلاف نظر داشتند بنده پیشنهاد کردم شش ماه برای چه؛ اساساً قبل از بحث در این لایحه یک بحث باید حل شده باشد و آن را مجلس حل کرده است بارای خودش بیک نظریه و ترجیح داده است با تصمیم خودش و آن تصمیم را راجع به قانون انحصار تجارت گرفت و آن این تصمیم و این فکر بوده است که بایستی جلوی واردات خارجی را گرفت و آن را معادل صادرات کرد آنوقت بتدریج هرچه صادرات زیاد شود اضافه کرد. و در مرحله اول هم از قسمت لوکس و قسمت هائی که مورد احتیاج نیست. این فکر دولت و مجلس بود بموجب قانونی

که از مجلس گذشته است در اینجا دیگر فکری باقی نمی ماند که ما در آن بحث کنیم برای اینکه قانونش گذشته است از مجلس شورای ملی. حالا این قانون چه میکند چه میگوید. این قانون چیز جدیدی نیست. آقا این قانون میگوید آن عده اشخاصی که مخالف بودند که آن قانون بگذرد با موافق بودند عجاله آن قانون گذشته آن مخالفین هم باید حالا این قانون را قبول داشته باشند برای اینکه آنها را میگویند آزاد باشد و هرچه هر کس میخواهد بیاورد آن مخالفت با این نیست که هر چه می آید منافعی نباید توی جیب یکمشت بهودی برود...

افسر - ملیت بحث نیست. بد جیب اهالی ممالک نباید برود

رهنما - خیر این خیلی فرق دارد اجازه بدهید دولت می آید قانونی میگذرانند منع میکند آنوقت مجال پیدا میکند کی؟ یکمشت قاچاقچی مجال پیدا میکند و اجناس خارجی می آورند توی این مملکت و در بازار طهران می فروشند دولت می آید میگوید من اگر اجناس ممنوعه را دیدم جلوگیری میکنم امروز هم اگر این اجناس را به بینم ضبط میکنم برای اینکه اجازه نداده ام که اینها را بیاورند امروز باید صورت بگیرد دولت چرا یکسال صورت بگیرد شش ماه صورت میگیرد در مدت شش ماه می آید مغازه ها را می بیند اجناس لوکس را می بیند البته اگر بعد از آن آمد معلوم میشود قاچاق است پول را نداده است پول گمراگ را نداده است آنوقت بقول آقای طهرانی چادری که بایستی دوازده تومان بفروشد بدون اینکه عوارضی داده باشد آورده است و فروخته است سی تومان بنا بر این بنده موافقم آقای یاسائی هم موافقت فرمایند شش ماه مدت معین شود و در مدت شش ماه باین قضایا رسیدگی شود و معلوم شود که اجناس ممنوعه در بازار طهران چقدر است. مجال باینها بیشتر ندهید مجال دادن باینها برخلاف مصلحت است در این قسمت شش ماه منظور بدارید

رئیس کل تجارت - بفرمائید همه پیشنهادات را قرائت کنند

رئیس - بسیار خوب همه پیشنهادات را می خوانیم ولی بعد هر کس حق دارد در پیشنهاد خودش توضیح بدهد.

پیشنهاد آقای دشتی

بنده پیشنهاد میکنم بجای مدت یکسال دو سال مهلت داده شود.

رئیس - بفرمائید

دشتی - بنده بالا بجه مخالف هستم یعنی اساساً با این فکر مخالفم و هر قدر هم جلو میرویم می بینیم این فکر در مملکت تکمیل میشود و آن فکری که بنده مخالف آن هستم این است که بنده مخالف فکر (انانیسم) هستم که هر کاری را دولت بکند حتی دولت مغازه باز کند جنس بفروشد بنده با این فکر مخالف هستم همسایه شمالی ما هم این رویه را اتخاذ کردند ولی نتایج خوبی نبردند و متأسفانه با کمال تأسف بنده می بینم که روز بروز این فکر و این مسئله زیاد میشود مایکده زیادی در این مملکت هستیم که مخالفیم باینکه دولت غیر از کارهای انفرادی بکارهای صنعتی و کارهای تجارتي مداخله کند دولت فقط باید حکومت و نظارت داشته باشد دولت در امور اجتماعی و اقتصادی تاحدی باید مداخله کند که فقط حق نظارت و عرض کنیم اداره کردن امور اقتصادی مملکت را داشته باشد و با این لواجیحی که تند تند ما از مجلس میگذرانیم متأسفانه علاوه بر اینکه نتیجه حاصل نمیشود نتیجه وارونه هم میشود. این امتحان را در يك موقع دیگری هم کرد و متأسفانه موفقیتی پیدا نکرد و بنده باین جهت با این مخالف هستم دولت نباید دخالت کند که مغازه حریر فروشی باز کند مغازه صابون فروشی باز کند عرض کنم در قسمت اولی که عرض کردم دولت حق دارد بگوید که این اجناس وارد نشود در سر حد هم جلو گیری بکنند اما در داخله شهر دفاتر را زیر و رو کردن و تقطیع کردن هیچ معنی ندارد عرض کنم آن لایحه که اول آورده بودند این بود که اجناس را رویش يك (اتیکت) بچسباند آن بنظر بنده بهتر بود که اجناسی که میشود اتیکت بهش بچسباند

بنده پیشنهاد مینمایم در ماده اول بعد از عبارت (برای فروش تجارتي موجود داشته باشد) برای فروش تجارتي و خورده فروشی در مغازه ها موجود داشته باشد يك نفر از نمایندگان - دوباره قرائت شود.

(مجدداً خوانده شد)

پیشنهاد آقای ملک مدنی

تبصره ذیل را بماده اول پیشنهاد مینمایم تبصره - اجناسی که پس از انقضاء مدت قانونی باقی خواهد ماند دولت باید از روی خرید بعلاوه يك عشر منافع تعیین نماید.

پیشنهاد آقای ناصری

پیشنهاد میکنم در ماده اول سطر سوم کلمه تجارتي حذف شود.

رئیس کل تجارت - عرض میشود پیشنهادانی که آقایان کرده اند در یک قسمتهایی بنده از آخر شروع میکنم يك پیشنهادی شده بود که کلمه خورده فروشی به تجارتي اضافه شود. بعقیده بنده خورده فروشی همان تجارت است و در اصطلاح فقهي کسب و تجارت یکی است تجارت هم اطلاق به کسب میشود و هم بر خود مسئله تجارت خورده فروشی عمده فروشی یکی است بنا بر این اگر بگوئیم تجارتي شامل همه است و اما در قسمتی که آقای ملک مدنی فرمودند که دولت نگاه بکند این درست نقطه مقابل مقصود دولت است ما میخواهیم آنهایی که اجناس ممنوعه دارند بهر قیمتی که هست در این مدت نه ماه تا شب عید بفروشند و الا وقتی دست دولت افتاد اینقدر مخارج برش تحمیل میکند که هیچ چیز آیرشان نمی آید. و بنده الان باز روشن میگویم وقتی که اینها تحت نظر دولت بفروش برود مفتش بنده حقوق میخواهد ناظر حقوق میخواهد مقوم حقوق میخواهد اینها باید تا شب عید هر چه هست بفروش برسانند يك مقصود ما این است که اینها بفروش برود پس خواهش میکنم که پیشنهادشان را مسترد بدارند يك پیشنهادی هم آقای وثوق

جلو گیری از این قسمت خیلی بهتر است تا اینکه جلوگیری از پارچه ابریشمی بکند برای اینکه يك کسی قند استعمال نمی کند ولی پارچه ابریشمی برای او لازم است و لوکس نیست پس بنا بر این اگر فکر معادله صادرات و واردات را میکنیم باید خیلی از چیزها بمان را کم کنیم مخصوصاً همین قسمت قند و چای و شکر را کم استعمال کنیم و کم خورده شود برای اینکه وقتی چای زیادتر وارد شد زیادتر هم چای خورده میشود وقتی کم وارد شد کم میخورند چه عیبی دارد که اصلاً کمتر بخورند پس باین شکلها ما موفق میشویم بمعادله صادرات و واردات باید معادله صادرات و واردات را بيك شکلی حل کنیم وقتیکه باین شکل نشد این لایحه هم دیگر لزومی ندارد. اولاً شما خیال میکنید تمام ایران منحصر به خیابان لاله زار است؟ خیر جاهای دیگر این خبرها نیست با این چیزها هیچ وقت حوائج مملکت را رفع نمیکنیم زیرا مطابق آن رفتار نمیکنیم. بعقیده بنده باید حوائج مملکت را در نظر گرفت یکی از آنها کتاب است است الان نمیشود کتاب را وارد این مملکت کرد کتاب سه برابر قیمتش وارد میشود در صورتیکه ما وقتی حساب کنیم میبینیم که در سال بیشتر از ده هزار تومان کتاب وارد نمیشود حالا ملاحظه بفرمائید ما از ده هزار تومان مالیات میگیریم آنوقت يك مرتبه با هم حوائج مملکت مقدار زیادی قند و شکر و چای وارد مملکت میکنیم در صورتیکه این چیزی را که اسمش حوائج مملکت میگذاریم جزو حوائج مملکت نیست و البته کتاب و پارچه ابریشمی مفید تر است و بهتر از چای است که مضر است هم از برای معده و هم از برای قلب و بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم.

پیشنهاد آقای وثوق

بنده پیشنهاد میکنم که عموم دهنیات جزو مواد ممنوعه در ماده اول باشد.

پیشنهاد آقای فزونی

فرمودند راجع بدهنیات بنده عرض میکنم خدمتشان که در صورت اجناس ممنوعه هست عبارتی که وافی باشد بمقصود ایشان و اگر نیست ممکن است که توضیح داده شود برای پیشرفت کارخانه قزوین که دهنیاتش خیلی خوب شده است و ممکن است تشویقات بیشتری بشود و ماهمین کار را کرده ایم الان خیلی از روغن هارا ما ورودش را ممنوع کرده ایم بقیه را هم ممکن است ممنوع کنیم الان بکسبمت روغن کرچک روغن خشخاش ورودش ممنوع است و ممکن است روغنهای دیگر هم که تدارک آن در داخله آسان باشد ممنوع کرد در اینصورت پیشنهادشان تأمین شده است (و توبق - متشکرم) در موضوع پیشنهاداتی که شده بود راجع بمدت کلمه حذف تجارتی هم مضر است زیرا که اگر فردا یک بیچاره ای در توی خانه اش یک چادری یا مبللی داشت و خواست این را بفروشد این را نمیشود منظور کرد چرا که از کار افتاده است از همه جهت نمیشود تضییقات برای مردم فراهم کرد. موضوعی را که آقای دشتی فرمودند راجع باینکه دولت عوارضی وضع کرده است بر کتاب و مثل این است که دولت با معارف میخواهد دشمنی کند و چرا قند و شکر را جلوگیری نمیکند ما برای پیشرفت کار مطایع این کار را کردیم کتاب فروشها کتاب را ممکن است در داخله طبع کنند. مطایع ما که در داخله بیکار هستند حق ندارند بروند کتاب در خارجه طبع کنند حتی من دستور داده ام قرآن که کتاب مقدس ما است در مطایع خودمان چاپ شود مگر قرآن باید زیر دست فرانکی چاپ شود در هر حال بنده انبیکت را هم اجازه نداده ام در خارجه چاپ شود برای اینکه در اینجا خیلی بهتر و قشنگتر از مال فرانک چاپ میشود حتی آن تمبرها و باندرل هارا هم که وزارت مالیه سفارش کرده بود چون قبلا سفارش آنها داده شده بود اجازه داده شد جوازش را دادم بشرط اینکه وزارت مالیه در آتیه در داخله این کار را بکنند. بله اگر یک کتاب مهمی مال یک پروفیسر باشد مال یک دانشمندی

تجارت که با عمده فروشی لفظ تجارت گذارده شده است ایشان هم منظورشان حاصل است. دهنیات را هم قبول میفرمائید که جزء اشیاء ممنوعه باشد؟

رئیس کل تجارت - در این جا شاید صلاح نباشد غرض تذکر بود که در جزو اشیاء ممنوعه ورود هست اما اینجا شاید جائز نباشد در قانون ذکر شود برای اینکه مشروبات هم هست در صورت علیحده اجناس ممنوعه معین شده و در قانون شاید صلاح نباشد ذکر شود ولو صورت آن کم باشد باین جهت صورت یک چیزی است که در خارج ممکن است آنرا اعلان کنیم آقایان هم می بینند.

رئیس - کلمه تجارت را هم که حذفش را معتقد نیستند آقای رهنما هم با پیشنهاد آقای اعتبار موافقت فرمودند

که تا آخر اسفند ماه باشد دو ماه مدت هم باقی باشد این تصمیمات را یاد داشت میکنیم و رای میگیریم بماده اول با تغییری که متذکر شدم یعنی تبدیل یک سال به تا (آخر اسفند ۱۳۱۱) آقایان موافقین قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

[۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) برای اینکه کارهای آقای رئیس کل تجارت بتأخیر نیفتد **جلسه آینده یکشنبه ۱۵ خرداد ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه شور در لایحه کنونی و لایحه ذغال سنگ تبریز.**

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر